

انعکاس حقوق شهروندی در میان زنان روستا از دیدگاه قرآن کریم و قوانین موضوعه ایران

حسن یوسفی^۱، علی رشیدی^۲، علی رشیدی^۳

خراسان رضوی، شهر رباط سنگ رخ (Hasanyousofi2012@yahoo.com)

چکیده

امروزه و با شکل گیری جوامع مردم سالار، مقوله حقوق شهروندی به یکی از مهمترین موضوعات در گفتمان حقوقی داخلی و بین المللی بدل گشته است. اهمیت این بحث تا به آنجاست که حجم وسیعی از اسناد و منشورهای بین المللی در ارتباط با الزام دولت ها به شناسایی و احترام به حقوق شهروندی است. زنان روستایی مانند دیگر زنان و دیگر اعضای جامعه به عنوان یک شهروند دارای حقوق شهروندی می باشند. در این نوشتار حقوق شهروندی زن (روستایی) از منظر قرآن کریم و قوانین موضوعه ایران مورد بررسی قرار گرفت. مسلم گردید قرآن کریم در اصل همه ی انسان ها را در گوهر انسانیت و فضیلت و ارزش های انسانی با هم برابر دانسته و رنگ، نژاد، جنسیت، قومیت و ملیت را به عنوان وسیله تشخیص حساب می کند نه امتیاز و برتری. همچنین در ایران پس از اسلام نیز حقوق و موقعیت زن تغییر یافت و به تبع آن قوانین و مقررات نیز دچار تحول به نفع زنان شده و زن به عنوان عضوی اصیل از جامعه حق مشارکت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی در تعیین سرنوشت خود را پیدا کرد.

واژه های کلیدی: حقوق شهروندی، زن روستایی، فقه امامیه، حقوق موضوعه

-
- ^۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشگاه فردوسی مشهد
 - ^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران
 - ^۳ - دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی، دانشکده دانشور نیشابور

۱- مقدمه

نگاهی اجمالی به تاریخ تمدن بشر بیانگر آن است که زنان نسبت به مردان همواره از حقوق اجتماعی نابرابری برخوردار بوده اند. تفاوت ها و تبعیض های بجا یا نابجا بین زن و مرد و احساس حاکمیت مردان بر زنان در همه ادوار و نژد تمامی اقوام، کم و بیش وجود داشته و همواره نیز از سوی زنان اعتراضات و اقداماتی برای الغای آن تفاوتها و تبعیض ها صورت گرفته و به نتایجی هم منجر شده است. با پیدایی دین اسلام به گواهی تاریخ، انقلابی در حقوق زنان پدید آمد. بنابر تعلیمات قرآن، کتاب مقدس دین اسلام، زن از نظر خلقت همانند مرد است و به ویژه در نصوص قرآنی همانند مردان مورد خطاب اوامر و نواهی شرعی بوده و از این رو به لحاظ شئون اجتماعی بیش و کم، هم سنگ مردان قرار گرفته است. با آمدن اسلام زنان حیثیتی را که از دست داده بودند به دست آوردند و تمامی خرافاتی را که در آن زمان درباره ی زنان وجود داشت از بین برد و تمجید از زنان و مقام بالای آنان را گوشزد نمود. قرآن کریم برای زن و مرد شرافت و کرامت برابری قائل شده و جز تقدم در آفرینش مرد، نسبت به زن هیچ افتراقی بین آنها بیان ننموده است. زنان روستایی مانند دیگر زنان و دیگر اعضای جامعه به عنوان یک شهروند دارای حقوق شهروندی می باشند. لذا ضمن تبیین، حقوق شهروندی زنان اعم از روستایی و غیر روستایی از منظر قرآن کریم، قانون اساسی و دیگر قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران باید به جایگاه زنان (روستایی و غیر روستایی) به عنوان یکی از مصادیق شهروند که حقوق آنان در برخی از موارد نادیده گرفته شده است پرداخته شود.

۲- مفاهیم اساسی

۲-۱- شهروند

شهروند برگردان فارسی کلمه سیتیزن (citizen) و چنین تعریف شده است: « شهروند کسی است که به واسطه ی تولد یا اعطای قانونی شهروندی به وی، عضو یک کشور و جامعه ی سیاسی است و دارای علقه و عاطفه نسبت به آن جامعه سیاسی می باشد و مستحق برخورداری از تمام حقوق مدنی و حمایت های قانونی می باشد. » (Brayan, 1999) «فرهنگ فارسی امروز» شهروند را: «کسی که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار می شود»، تعریف نموده است. (صدری افشار، ۱۳۷۷) از لحاظ حقوق بین الملل نیز، شهروند در اصطلاح، تنها به فردی که در واحد سیاسی حکومت از حقوق کامل سیاسی و مدنی بهره مند باشد اطلاق می شود. (گولد جولوس، ۱۳۷۶).

۲-۲- حق

حق در لغت، به معنای مطابقت، موافقت، موجود ثابت، صدق، خلاف لایق و باطل آمده است. (گرجی ۱۳۷۸) حق از لحاظ فقه، نوعی ملکیت است که به نحو خاص بین مالک و مملوک وجود دارد. (ابن تراب، ۱۳۸۵) همچنین حق در حقوق، اختیاری است که قانون برای فرد شناخته تا بتواند عملی را انجام یا ترک نماید. (امامی، ۱۳۴۲)

۳-۲- حقوق شهروندی

حقوق شهروندی یا آزادی های شهروندی، مجموعه ای از حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که فرد به عنوان تبعه یک دولت-کشور از آن برخوردار است. محور تضمین این حقوق، قانون است که در هر جامعه ای، دولت موظف است به نمایندگی از اتباع خود، آن را به عنوان (حقوق ملت یا آزادی های عمومی) در چارچوب اعلامیه حقوق بشر تصویب کند و به موقع اجرا بگذارد. دولت-کشور چارچوبی است که در درون مرزهای آن حقوق اساسی جریان دارد و در رابطه با آن است که کلیه مضامین مربوط به حقوق فرد در جامعه سیاسی معنی و مفهوم خود را آشکار می نماید. (قاضی، ۱۳۷۵)

حقوق شهروندی اولین بار در اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه در ۲۶ اوت ۱۷۸۹ میلادی مطرح شد. ماده ی اول اعلامیه مزبور بیان می دارد: «انسان ها، آزاد، زاده می شوند و آزاد زندگی می کنند و در حق برابرند.»

۳- مقام و جایگای زن در دین مبین اسلام

مقام زن در اسلام چنان است که در قرآن کریم سومین سوره مفصل به نام "النساء" نامیده شده است. ودر سوره های دیگر نیز مسائلی مربوط به حقوق و منزلت زن است. اسلام زن را به عنوان مسأله مهم زندگی و متمم حیات انسانی در مسائل اجتماعی، اخلاقی و قانونی خود جا داده و او را به عنوان عضو مؤثر جامعه دانسته است. اگر ما به تاریخ قبل از دین مبین اسلام مراجع کنیم، در می یابیم که در دوران جاهلیت عرب ها دختران را از ننگ دختر بودن شان به شکل بسیار ظالمانه زنده به گور می کردند که علاوه بر کرامت و عزت انسانی، حق حیات و زندگی شان را می گرفتند و در حصه میراث و دیگر امتیازات حقوقی آنها هیچ حقی را قایل نبودند. هنگام که دین اسلام ظهور کرد، برای زن حق حیات بخشید. و از هرگونه حقوق و امتیاز آنها را بهرمنند ساخت. طی قرون و عصار گذشته تا کنون هیچ دین، آئین و قانونی وجود نداشته که زن را چنان حق، عزت، کرامت، مقام و منزلت داده باشد که اسلام داده است.

۴- حقوق شهروندی زنان از دیدگاه قران

۴-۱- قرآن و تساوی زن و مرد در آفرینش

قران کریم، مرد و زن را از لحاظ آفرینش از یک جنس ودر اصل گوهر انسانی یکی می داند. « يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالرَّحْمَٰنَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا رَقِيبًا^۱» ای مردم، بترسید از پروردگار خود، آن خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و هم از آن، جفت او را خلق کرد و از آن دو تن خلقی بسیار در اطراف عالم از مرد و زن پراکند، و بترسید از آن خدایی که به نام او از یکدیگر مسئلهت و درخواست می کنید و درباره ارحام کوتاهی نکنید، که خدا مراقب اعمال شماست.^۲ تعبیرات زیادی با این مضمون در قران وجود دارد که ما در اینجا به موارد دیگری نیز اشاره می کنیم:

۱- نساء: ۱

۲- برای ترجمه آیات در این نوشتار از ترجمه مهدی الهی قمشه ای استفاده شده است.

۱-۴-۱ « هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنُكَوِّنَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ^۱» اوست خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و از (نوع) او نیز جفتش را مقرر داشت تا به او انس و آرام گیرد، و چون با او خلوت کرد باری سبک برداشت، پس با آن بار حمل چندی بزیست تا سنگین شد، آن‌گاه هر دو خدا و پروردگار خود را خواندند که اگر به ما فرزندی صالح (و تندرست) عطا کردی البته از شکرگزاران خواهیم بود.^۲

۲-۴-۱ « خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقْكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَى تُصْرَفُونَ^۳» او شما را از یک تن (آدم) آفرید پس، از آن جفت او (حواء) را قرار داد و برای استفاده شما هشت قسم از چهارپایان ایجاد کرد، و شما را در باطن رحم مادران در سه تاریکی (مشیمه و رحم و بطن) با تحولات گوناگون (بدین خلقت زیبا) می‌آفریند، این خداست پروردگار شما که سلطان ملک وجود اوست، هیچ خدایی جز او نیست، پس ای مشرکان (نادان) از درگاه او به کجا می‌برندتان؟^۴ در هیچ یک از آیات مربوط به خلقت انسان اشاره ای به کامل تر بودن آفرینش مرد و نقص و کمبود در خلقت زن دیده نمی‌شود.

۲-۴- تساوی زن و مرد در کرامت انسانی

از نظر کرامت و فضیلت و مقام معنوی و توانایی کسب صفات عالیه، در تعبیرات قرآنی تفاوتی بین زن و مرد دیده نمی‌شود و در این زمینه آیات فراوانی در قرآن مجید وجود دارد که ما در اینجا به چند مورد اشاره می‌کنیم:

۱-۴-۲ « وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَبِيًّا^۵» و هر که از زن و مرد کاری شایسته کند با ایمان به خدا، چنین کسان به بهشت درآیند و به قدر نقیری (پرده هسته خرمایی) به آنان ستم نکنند.^۵

۲-۴-۲ « مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ^۶» هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم؛ و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.^۶

۳-۴-۲ « مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ^۷» هر کس بدی کند، جز بمانند آن کیفر داده نمی‌شود؛ ولی هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد - خواه مرد یا

۱ - اعراف: ۱۸۹

۲ - همان

۳ - زمر: ۶

۴ - همان

۵ - همان

۶ - نحل: ۹۷

۷ - همان

۸ - غافر: ۴۰

زن- در حالی که مؤمن باشد آنها وارد بهشت می‌شوند و در آن روزی بی‌حسابی به آنها داده خواهد شد.^۱

۳-۴- تساوی زن و مرد در تحمل تکالیف و مسئولیت‌ها

منظور ما از تکالیف و مسئولیت‌ها، مواردی است که برای زن و مرد یکسان امر شده مثلاً در امر به نماز یومیه، روزه و ... نه مواردی که خداوند، خود در آنها قائل به تفاوت بین زن و مرد شده است. چرا که بنا به آیه « يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ »^۲ و هر که از زن و مرد کاری شایسته کند با ایمان به خدا، چنین کسان به بهشت درآیند و به قدر نقیری (پرده هسته خرمایی) به آنان ستم نکنند.^۳ هرگونه تمایزات جنسیتی را رفع نموده است و تمایزاتی را که در برخی موارد در مورد زنان قائل شده، تمایزات ناشی از نقصان عقل و یا تفاوت در خلقت نیست، بلکه لطف خداوند است.

۴-۴- توانایی بالقوه زنان در امر حکومت

با سیر اجمالی در قرآن می‌توان به این مطلب پی برد که علی‌الاصول زنان از مشارکت در زندگی اجتماعی و عهده دار شدن مشاغلی از قبیل حاکم، رئیس جمهور، نخست وزیر و رهبر حزب در جوامع منع نشده و از این حیث ناتوان و ناقص قلمداد نشده‌اند. اگر به راستی اسلام نقش زن را محدود میکند و او را برای رهبری مناسب نمیداند پس چگونه است که خداوند در قرآن به معرفی زنی (ملکه سبا) می‌پردازد که فرمانروایی سرزمینی را به عهده دارد و وسعت اندیشه اش در مدیریت و برخورد با مسائل از مردان، بلند پروازتر است؟ « إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ »^۴ من زنی را دیدم که بر آنان حکومت می‌کند، و همه چیز در اختیار دارد، و (به خصوص) تخت عظیمی دارد!^۵ چنانکه میبینیم این زن، فرمانرواست، اما هرگز استبداد رای ندارد. هنگامی که نامه سلیمان رسید بزرگان مملکت خود را گرد آورد و نامه را که تهدیدی برای آنان شمرده میشد برای همه خواند و به آنها گفت: پیشنهادات خود را ابراز کنید من مستبد نیستم و نمی‌خواهم ایده خود را به شما بقبولانم. هر چند من فرمانروای شما هستم اما در چنین مواردی که سرنوشت مردم را رقم می‌زند باید با اندیشمندان مشورت شود تا رأی مناسب ابراز گردد.

۵-۴- یکسان بودن زن و مرد در مجازات

با بررسی آیات قرآن در می‌یابیم که در محرمات الهی و کیفرهای مترتب بر آن نیز علی‌الاصول زن و مرد یکسان مورد خطاب قرار گرفته‌اند و قبح اعمال محرم و ممنوع و کیفر آن در مورد زن و مرد یکی است. مثلاً خداوند در مورد مجازات

^۱ - همان

^۲ - حجرات: ۱۳

^۳ - همان

^۴ - نمل: ۲۳

^۵ - همان

سرت می فرماید: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»^۱ دست مرد دزد و زن دزد را، به کیفر عملی که انجام داده‌اند، بعنوان یک مجازات الهی، قطع کنید! و خداوند توانا و حکیم است.^۲ یا در مورد زنا بیان می کند: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ»^۳ هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید؛ و نباید رأفت (و محبت کاذب) نسبت به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید! و باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را مشاهده کنند!^۴

۶-۴- قرآن و آزادی زن در تملک و تصرف اموال خود

در بسیاری از سرزمین‌ها مردان اجازه تملک و حق تصرف به زن در اموالی که متعلق به او بود نمی دادند و تمام ما یملک او در اختیار و تصرف مردان بود. قرآن ضمن آیات بسیار زن را مالک دانسته و مردان را توصیه کرده است که ادای حقوق زن و آنچه به او تعلق می گیرد واجب است. «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا»^۵ برتریهایی را که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید! (این تفاوت‌های طبیعی و حقوقی، برای حفظ نظام زندگی شما، و بر طبق عدالت است. ولی با این حال،) مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند، و زنان نیز نصیبی؛ (و نباید حقوق هیچ‌یک پایمال گردد). و از فضل (و رحمت و برکت) خدا، برای رفع تنگناها طلب کنید! و خداوند به هر چیز داناست.^۶ در ایه شریفه ی فوق، قرآن جامعه انسانی را مخاطب ساخته و توصیه کرده است که تمام مزایای مالی و طبیعی که به زنان و مردان از طریق تجارت و کسب یا از طریق نصیب الهی می رسد، صاحب آن می باشند.

۷-۴- حقوق زن در میراث

قرآن کریم در چهارده قرن پیش ضمن آیاتی، آیینی کامل و قانونی فراگیر و عادلانه در زمینه میراث و تعیین سهم هر یک از بازماندگان متوفی و از جمله زن به عنوان همسر و دختر و مادر فرود آورده که تا آن زمان در هیچ یک از ملل متمدن و غیر متمدن سابقه نداشت و بعد آن نیز، آیینی که از چنین دقت و تقسیم عادلانه برخوردار باشد دیده نشده است. یکی از ویژگی‌های قانون ارث در قرآن، رعایت حقوق زن به عنوان یکی از دو رکن تشکیل دهنده خانواده و دیگر حقوق زن به عنوان مادر و حقوق دختران است، زیرا نسب و خانواده که منشأ آن زن و مرد به عنوان والدین است، از نظر اسلام دارای ارزش بسیار است. همانطور که در آیه ۱۱ سوره ی نساء مشاهده می شود قرآن سهم الارث زن را نصف مرد قرار داده است: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ فَإِن كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِن كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ»

۱- مائده: ۳۸

۲- همان

۳- نور: ۲

۴- همان

۵- نساء: ۳۲

۶- همان

وَلِأَبْوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَوَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَوَلَدٌ وَوَرِثَةٌ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِهِ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنِ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا^۱ خداوند در باره فرزندانان به شما سفارش می‌کند که سهم (میراث) پسر، به اندازه سهم دو دختر باشد؛ و اگر فرزندان شما، (دو دختر و) بیش از دو دختر باشند، دو سوم میراث از آن آنهاست؛ و اگر یکی باشد، نیمی (از میراث) از آن اوست. و برای هر یک از پدر و مادر او، یک ششم میراث است، اگر (میت) فرزندی داشته باشد؛ و اگر فرزندی نداشته باشد، و (تنها) پدر و مادر از او ارث برند، برای مادر او یک سوم است (و بقیه از آن پدر است)؛ و اگر او برادرانی داشته باشد، مادرش یک ششم می‌برد (و پنج ششم باقیمانده، برای پدر است). (همه اینها،) بعد از انجام وصیتی است که او کرده، و بعد از ادای دین است. شما نمی‌دانید پدران و مادران و فرزندانان، کدامیک برای شما سودمندترند! این فریضه الهی است؛ و خداوند، دانا و حکیم است.^۲

و در آیه ۱۲ سوره ی نساء نیز خداوند متعال احکام ارث زن و شوهر را بیان کرده است: « وَلكُمْ نَصْفُ مَا تَرَكَ أزْوَاجِكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَوَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَوَلَدٌ فَلَكُمُ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِ يُوَصِيْنَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَوَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَوَلَدٌ فَلَهُنَّ النُّصْبُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِ يُوَصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورِثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةً وَوَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِ يُوَصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَارٍّ وَصِيَّتِ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ^۳ » و برای شما، نصف میراث زنانان است، اگر آنها فرزندی نداشته باشند؛ و اگر فرزندی داشته باشند، یک چهارم از آن شماست؛ پس از انجام وصیتی که کرده‌اند، و ادای دین (آنها). و برای زنان شما، یک چهارم میراث شماست، اگر فرزندی نداشته باشید؛ و اگر برای شما فرزندی باشد، یک هشتم از آن آنهاست؛ بعد از انجام وصیتی که کرده‌اید، و ادای دین. و اگر مردی بوده باشد که کلاله (خواهر یا برادر) از او ارث می‌برد، یا زنی که برادر یا خواهری دارد، سهم هر کدام، یک ششم است (اگر برادران و خواهران مادری باشند)؛ و اگر بیش از یک نفر باشند، آنها در یک سوم شریکند؛ پس از انجام وصیتی که شده، و ادای دین؛ بشرط آنکه (از طریق وصیت و اقرار به دین)، به آنها ضرر نزنند. این سفارش خداست؛ و خدا دانا و بردبار است.^۴

با توجه به آیات فوق، نصف بودن ارث زن را با پرداخت مهریه و نفقه توسط مرد توجیه کرده‌اند. زیرا دختری که نسبت به برادر خود نصف سهم الارث را می‌برد وقتی خواست به عقد ازدواج مردی درآید مالی را به عنوان مهریه از او دریافت می‌کند و یا از او طلبکار می‌گردد. « وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا^۵ » و مهر زنان را (بطور کامل) بعنوان یک بدهی (یا عطیه)، به آنان پردازید! (ولی) اگر آنها چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما ببخشند، حلال و گوارا مصرف کنید!^۶ و پسری که دو برابر خواهر خود ارث می‌برد به هنگام ازدواج باید مالی را به همسر خود به عنوان مهریه تملیک کند که به متعهد به پرداخت آن گردد. هم چنین زنی که نصف شوهر خود سهم الارث می‌برد در طول زندگی زناشویی بدون اینکه از مال خود خرج کند مخارج خویش را از شوهر دریافت می‌کند و برعکس شوهر

۱ - نساء: ۱۱

۲ - همان

۳ - نساء: ۱۲

۴ - همان

۵ - نساء: ۴

۶ - همان

که سهم الارث او دو برابر زن است تکلیف دارد در طول دوران زندگی زناشویی نفقه زن و فرزندان خود را بپردازد. پس بین این دو وضعیت نوعی تعادل و هماهنگی برقرار است.

۸-۴- قرآن و تعیین حقوق زن در برابر رضاع و حضانت

یکی از حقوق دیگری که برای زن (روستایی) در قرآن ذکر شده، حقوق او در برابر رضاع است. قرآن ضمن بیان احکام دوران شیرخوارگی کودک، حقوق و اختیارات بسیاری برای زن تعیین کرده است. آیه ی شریفه ی زیر که مفصل ترین آیه در احکام رضاع است به اکثر مسائل حقوقی دوران شیرخوارگی اشاره کرده است: « وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَمِّئَهُنَّ وَالرَّضَاعَةُ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارُّ وَالِدَةُ بَوْلِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ »^۱ مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر می دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده (پدر)، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیر دادن بپردازد؛ حتی اگر طلاق گرفته باشد). هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست! نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد، و نه پدر. و بر وارث او نیز لازم است این کار را انجام دهد (هزینه مادر را در دوران شیرخوارگی تأمین نماید). و اگر آن دو، با رضایت یکدیگر و مشورت، بخواهند کودک را (زودتر) از شیر بازگیرند، گناهی بر آنها نیست. و اگر (با عدم توانایی، یا عدم موافقت مادر) خواستید دایه ای برای فرزندان خود بگیرید، گناهی بر شما نیست؛ به شرط اینکه حق گذشته مادر را به طور شایسته بپردازید. و از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید! و بدانید خدا، به آنچه انجام می دهید، بیناست!^۲

۵- حقوق شهروندی زنان در قوانین جمهوری اسلامی ایران

۵-۱- زن در قانون اساسی

در مقدمه قانون اساسی از موقعیت زنان و استیفای حقوق آنان به دلیل ستم بیشتری که متحمل شده اند سخن به میان آمده است. واز آنجا که حقوق ایران تحت تأثیر حقوق اسلام با گرایش فقه امامیه است، قبل از آنکه به حقوق زن یا مرد توجه کند به حقوق آنها در چارچوب خانواده نگاه کرده است و خانواده را یکی از واحدهای بنیادین جامعه و قانون اصلی رشد و تعالی انسان معرفی نموده که زن به عنوان یکی از واحد های خانواده باید از حالت (شیئی بودن) و یا ابزار کار بودن خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پراج مادری در پرورش انسان های مکتبی بکوشد. فراهم آمدن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی می باشد. در این نوشتار به برخی از اصول قانون اساسی و مواد قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران که در جهت احقاق حقوق زنان می باشد اشاره می گردد:

۵-۱-۱- اصل سوم قانون اساسی: تأمین حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و

^۱ - بقره: ۲۳۳

^۲ - همان

تساوی عموم در برابر قانون.

۲-۱-۵- اصل دهم قانون اساسی: از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

۳-۱-۵- اصل بیستم قانون اساسی: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

۴-۱-۵- اصل بیست و یکم قانون اساسی: دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.
- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی سرپرست.
- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.
- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست.
- اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

۲-۵- زن در قوانین عادی

قوانین عادی در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر پایه فقه امامیه اصلاح یا تدوین شده است. در این مدت تعدیل‌هایی در حمایت از زنان و خانواده به انجام رسیده که درخور تحسین است و ما در این نوشتار به مواردی اشاره می‌کنیم:

۱-۲-۵- ماده ۱۰۷۰ قانون مدنی: رضای زوجین شرط نفوذ عقد است و هرگاه مکره بعد از زوال کره عقد را اجازه کند نافذ است مگر اینکه اکراه به درجه‌ای بوده که عاقد فاقد قصد باشد.

۲-۲-۵- ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی: زن مستقلاً می‌تواند در دارایی خود هر تصرفی را که می‌خواهد بکند.

۳-۲-۵- ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی: نکاح دختر باکره اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است و هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند اجازه او ساقط و در این صورت دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد با او ازدواج نماید و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده پس از اخذ اجازه از دادگاه مدنی خاص به دفتر ازدواج مراجعه و نسبت به ثبت ازدواج اقدام نماید.

۴-۲-۵- ماده ۹۷۶ قانون مدنی: اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند: بند ۶- هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند.

۵-۲-۵- ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی: امکان طلاق از جانب زن با شرط ضمن عقد.

۶-۲-۵- ماده ۳۸ قانون کار (۱۳۶۹/۸/۲۹): برای انجام کار مساوی که در شرایط مساوی در یک کارگاه انجام می‌گیرد باید به زن و مرد مزد مساوی پرداخت شود. تبعیض در تعیین میزان مزد براساس سن، جنس، نژاد و قومیت و اعتقادات سیاسی و مذهبی ممنوع است.

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

۷-۲-۵- ماده ۷۵ قانون کار (۱۳۶۹/۸/۲۹): انجام کارهای خطرناک، سخت و زیان آور و نیز حمل بار بیشتر از حد مجاز با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی، برای کارگران زن ممنوع است. دستورالعمل و تعیین نوع و میزان این قبیل موارد با پیشنهاد شورایعالی کار به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی خواهد رسید.

۸-۲-۵- ماده ۷۶ قانون کار (۱۳۶۹/۸/۲۹): مرخصی بارداری و زایمان کارگران زن جمعاً ۹۰ روز است. حتی الامکان ۴۵ روز از این مرخصی باید پس از زایمان مورد استفاده قرار گیرد. برای زایمان توأمان ۱۴ روز به مدت مرخصی اضافه می شود.

۶- نتیجه گیری

همانطور که ملاحظه نمودیم ما وقتی از حقوق شهروندی سخن به میان می آوریم مراد ما مجموعه ای از حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که فرد به عنوان تبعه ی یک دولت_کشور از آن برخوردار است. ستم ها و ناروایی هایی که بر جامعه زنان تحمیل می شد، قانون گذاران بین المللی و داخلی را به این جهت سوق داد که قوانین و مقرراتی برای جلوگیری از این ستم ها وضع کرده و ضمن حمایت از حقوق زنان، آنها را در تمامی زمینه ها با مرد یکسان و مساوی قرار دهد. قوانین ایران در زمینه حقوق زن، به مقدار زیادی مبتنی بر فقه اسلام با گرایش مذهب امامیه است. در نظام حقوقی اسلام، مخاطبین احکام و قوانین انسان ها هستند و مقررات دینی اختصاصی به مرد یا زن ندارند. بنابراین در تمامی مقرراتی که موضوع آنها انسان بما هو انسان است، تفاوتی بین زن و مرد (روستایی یا غیرروستایی) وجود ندارد و اگر تفاوت هایی وجود دارد به خاطر «تناسب» بیشتر میان زن و مرد برای زندگی مشترک است. چراکه سیستم حقوقی اسلام و به پیروی آن نظام حقوقی ایران، خانواده را به عنوان یکی از مهم ترین و اساسی ترین نهاد های اجتماعی مورد توجه قرار می دهد. در نتیجه ممکن است در راه استحکام خانواده که نتیجه اش استحکام جامعه است، تفاوت هایی ظاهری و جزئی در حقوق زن و مرد وجود داشته باشد.

کتابنامه

قرآن کریم

- صدری افشار، غلامحسین، ودیگران، فرهنگ فارسی امروز، مؤسسه نشر کلمه، تهران، ۱۳۷۷.
- گولد، جولیس، ویلیام، ل. کولب، ۱۳۷۶، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه محمد جواد زاهدی مازندرانی، تهران، انتشارات مازیار .
- گرجی، ابوالقاسم، ۱۳۷۸، رابطه فقه و حقوق، بی نا، قم.
- ابن تراب، مریم، حقوق شهروندی از دیدگاه علی علیه السلام، ندای صادق، ۱۳۸۵، شماره ۴۱ و ۴۲.
- امامی، حسن، ۱۳۴۲ش، حقوق مدنی، تهران، انتشارات کتاب فروشی اسلامیه، چاپ دوم.
- قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵، چاپ ۶، صفحه ۱۲۲.
- حجتی اشرفی، غلامرضا، قانون کار و تأمین اجتماعی، گنج دانش، تهران، ۱۳۸۷، چاپ ۵.
- منصور، جهانگیر، ایران، قانون مدنی، نشر دوران، تهران، ۱۳۸۹، چاپ ۳۹.
- منصور، جهانگیر، ایران، قانون اساسی (جمهوری اسلامی)، نشر دوران، تهران، ۱۳۸۹، چاپ ۳۹.
- garner, A. Brayan, Black's Law Dictionary, West Publishing co. 1999.